

نیم نگاه

ادبیات عصر مشروطیت

مهدی شریفیان



صد نکته

بی‌تردید، ادبیات عصر مشروطیت ایران، «ادبیات پایداری، مقاومت و بیداری» است. نویسندگان و شعرای وطن‌دوست و غیرتمند ایرانی، برای نخستین‌بار از «برج عاج» ادبیات اشرافی فرود می‌آیند، و ادبیات را آینهٔ تمام‌نمای «خواست و اراده» توده‌های محروم ایرانی، برای رسیدن به «آزادی و دموکراسی» قرار می‌دهند. موتیف‌های (motife) اصلی شعر مشروطیت، هم در حوزهٔ نظم و هم در حوزهٔ نثر، موضوعات زیادی را دربر می‌گیرد. نظیر دشمنی و ستیز با استبداد، دعوت به اتحاد مسلمانان، تشویق به استقلال و خودکفایی، عشق وطن، دشمنی با استعمار، طرفداری از کارگر و زارع، دفاع از آزادی و آزادیخواهی، تنفر از خرافات، آزادی و حقوق مدنی زنان و سایر مسائل خاص اجتماعی. شعر به لحاظ فرم و شکل، تغییر زیادی پیدا نمی‌کند ولی به لحاظ محتوا، دگرگونی وسیعی می‌یابد که در دوره هزارساله شعر پارسی بی‌همناست. ظهور ادیبانی نظیر ملک‌الشعراى بهار، ادیب پیشاوری، ادیب نیشابوری، وحیددستگردی، ابیح میرزا، ابوالقاسم لاهوتی، فرخی یزدی، اشرف‌الدین نسیم شمال و عارف، حوزه شعر اجتماعی و سیاسی را گسترش داده و «شعر متعهد» را ایجاد می‌نماید. طنز اجتماعی شعر مشروطیت غنای زیادی پیدا می‌کند و نهایتاً به تصنیف‌های جانگداز عارف می‌رسد. نثر فارسی چنین پیشتاز از شعر مشروطیت جلوه‌گر می‌کند و قید و بندهای نثر مصنوع و فنی را کنار گذاشته، کاملاً «گزارشی و ساده» می‌گردد. تحولات شعری (صنایع ادبی) از دامن نثر زده‌می‌شود و نثر فارسی‌وپا و توفنده در خدمت بیان خواست و آمال مردم قرار می‌گیرد. ظهور نویسندگانی چون طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزاتحسین آخوندزاده، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و سیدجمال‌الدین اسدآبادی نثر فارسی را جان تازه‌ای می‌بخشد و آثار آنان زمینه‌ساز پیداش ادبیات داستانی (Fiction) می‌شود و بعدها به دست نویسندگان چون جمالزاده، چوپک، هدایت، آ‌آحمد و... به ترقی شایانی ارتقا می‌یابد.

*** حیات علمی دانشگاه بوعلی سینا**

توده ناآگاه
و شکست انقلاب مشروطیت
نسیم خلیلی :
گاهی وقتی صحبت از مشروطیت می‌شود، آن را انقلابی مردمی می‌نامیم که از دل تفکری نواندیشانه جوشید و بالا رزد؛ از دل توده‌ای که با کسب رهیافت‌هایی از دنیای بیرونی خویش، رویکردی متجددانه یافته است. اما واقعیت این است که مردم در این بریده تاریخ، نقشی تقریباً حاشیه‌ای داشتند و شاید یکی از علل و عوامل اصلی و نهادهی به شکست آن پرسوس اصلاحات انقلابی موسوم به مشروطه‌خواهی، به همین موضوع و در واقع بحران بازمی‌گردد؛ معضل ناآگاهی توده از جو حاکم و ندانشن دومنمای از تاریخ و درس گرفتن از آن که به حافظه تاریخی موسوم است. فراموش نکنیم که حضور تدریجی مردم در دل مبارزات نسبتاً انقلابی و شالوده‌شکن مشروطیت، نباید ما را به این اشتباه تاریخی سهمگین دچار کند که مردم در این دوره از آگاهی و روشن‌اندیشی تام و تمامی برخوردار بودند و یا آرمان هدفمندانه‌ای برای ترسیم خط مشی مبارزه خود در پس‌زمینه ذهن خود داشتند. برای اطلاع از سطح آگاهی و حساسیت‌های مردم در عصر ناصری بد نیست نگاهی بیندازیم به گفتاری از مرحوم محمدعلی تهرانی (کاتوزیان). او در توصیف وضعیت اجتماعی این دوره تاریخی می‌نویسد: «وضعیت این دوره آرامش داشت و هر کس بی کار خویش بود. از سیاست ملکی کسی آگاهی نداشت، از چگونگی مملکت چندان آگاهی نبود، فقط عده معدودی با سیاست سر و کار داشتند و آنان هم در محافل از سیاست سخن نمی‌راندند. . . . و مردم آن زمان یعنی عامه فقط متوجه نان و گوشت بودند؛ اگر ارزان بود خرم و خوشند بودند و اگر گران می‌شد افسرده و غمگین بودند. شخص پادشاه هم به عیش و نوش خرم بود. . . با این توصیف نسبتاً زننده و روشن باید قبول کنیم که ما در این مقطع تاریخی خاص، با پدیده‌ای به نام آگاهی توده به معنای واقعی و کامل واژه رویه‌ور نسیم بلکه این اندیشه تنها رویایی است که در ذهن ناسیونالیست‌های بعدی جرقه می‌زند و آنها را بر آن می‌دارد که انقلاب مشروطیت را نقطه عطفی در پرسمه مبارزاتی تاریخی ایرانیان، بنامند. رویایی که ریشه تاریخی دارد و حتی در میان معاصران همین مردم ناآگاه در دوره مشروطه نیز نمود داشته است؛ فتحعلی آخوندزاده در یکی از نوشته‌های خود خطاب به ایرانیان می‌نویسد: «ای ایرانیان! اگر می‌توانستید منافع آزادی و حقوق بشر را در شما پیدا هم‌گرز بزرگی و فروتنی را نمی‌پذیرفتید؛ شما به آموختن دانش ها می پرداختید و انجمن های سری بنیاد می کردید و با یکدیگر متحد می شدید که خود را از استبداد مستبدین رها سازید. « ظاهراً تلاش های روشنفکران دوره مشروطه در مرحله ای از انقلاب به بار نشست و مردم را از انزوای تاریخی به درآورده و به مهلکه‌ای به نام مبارزه با حکومت وارد ساخته است اما این موفقیت، دولتی مستعجل بوده و در درازمادت به دلیل ریشه دار نبودن ماهیت خود به فقیرا رفته است؛ دلیل این موضوع شاید به تحلیلی بازمی گردد که حسن قاضی مرادی بر اساس مطالعه ای در روانشناسی تاریخی ایرانیان به دست می دهد؛ او معتقد است که خودمداری (معدل خودمحوری، تک‌روری) – متمایز از فردگرایی غربی – یکی از ویژگی های روانشناسی خاص ما ایرانیان در قلمرو هستی فردی و اجتماعی ما ست. (ر. ک. در پیرامون خودمداری ایرانیان، حسن قاضی مرادی، نشر اختران، چاپ اول، تهران، (۱۳۷۸) او معتقد است بیش از روزمره، ذهنیت استبدادزده، بی اعتقادی و غیره باعث می‌شد مردم نسبت به شالوده‌شکنی های علمی در قبال حکومت بی توجه بوده و در انقلاب ها و مبارزات خود رویکردی متغعلانه و کوتاه‌مدت «خودمداری متناظر با مسئولیت پایداری در خصوص وظایف اجتماعی فرامست. علاوه بر این، خودمداری می‌کوشد با توسل به فساد و توطئه از موقعیت اجتماعی خویش در جهت منافع خودمدارانه و یا گروهی‌اش سوء استفاده کند. « (ر. ک. همان، ص ۱۸۰) آیا بروز همین بیماری شخصیتی نبود که باعث شد اهداف مشروطه در نیمه‌های راه از اهداف واقعی و انقلابی خود درماند و به سراسیمگی فراموشی و تزلزل بلغزد؟

گزارش سال ۱۳۱۴



صد سال

از نوروز این سال تاریخ رسمی کشور براساس ماه‌های شمسی تنظیم شد و به کار بردن ماه‌های قمری ممنوع شد. همچنین طبق بخشنامه وزارت امور خارجه از این پس در همه اسناد و مکاتبات فرنگی می‌بایست «پرس» را ایران و «پرسان» را ایرانیان بنویسند و بخوانند. «فرهنگستان ایران» نیز در بهار این سال آغاز به کار کرد. وظیفه این فرهنگستان به کارگیری و یافتن واژگان سره فارسی و جایگزین کردن آنها به جای واژگان بیگانه بود. در این فرهنگستان دانشمندان سترگی که در فرهنگ و ادب کشور جایگاه بلندی داشتند به همکاری پرداختند. پایه‌ریزی این فرهنگستان از شاهکارهای آن دوران بود که منشاء خدمات برجسته‌ای به زبان و ادب فارسی شد. برای نمونه واژگان «قوه بریه»، «قوه بحریه» و «قوه جویه» به واژگان «نیروی زمینی»، «نیروی دریایی» و «نیروی هوایی» تغییر داده شد. همچنین به جای واژه «طیب یا حکیم» واژه «پزشک» به کار برده شد و به جای «کحال» و «بیکار»، «چشم‌پزشک» و «دامپزشک» جایگزین شد. استاد جلال‌الدین همایی، استاد دبیرالزمان فرزانفر، دکتر قاسم غنی، دک‌آل‌المکال فرغی، ادیب‌السلطنه سمیعی و دکتر شامعلی رعدی آدرخشی برخی از همکاران فرهنگستان بودند. در فروردین ماه عمر مجلس نهم به سر آمد و انتخابات دوره دهم آغاز شد. از رویدادهای شگفت‌انگیز این بهار، دستگیری ناگهانی حسین دادگر– عدل‌الملک– نماینده اول تهران و رئیس مجلس شورای ملی در دوره‌های هفتم، هشتم و نهم بود. او همچنین وزیر کابینه‌های پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و دوست نزدیک و محرم اسرار رضاشاه بود. وی نیز که یکی از پله‌های نردبام ترقی رضاحان بود، ناگهان چند روز مانده به افتتاح مجلس دهم، دستگیر و بی درنگ از ایران تبعید شد. همراه با او و در همان روز– رستم آیدینه‌ش‌ماه– سرشناسانی همانند زین‌العابدین زینما نماینده سابق و مدیر روزنامه ایران، علی دشتی نماینده سابق و وزیر روزنامه شفق سرخ، فرج‌الله بهرامی– دبیر اعظم– وزیر و حکمران سابق و سیدمحمدرضا تجدد نماینده سابق و قاضی عدلیه بازداشت و زندانی شدند. اغلب بازداشت‌شدگان کسانی بودند که به روی کار آمدن سردار سپه و تبدیل شدن او به رضاشاه با همه توان و آبروی خود کوشیده بودند و اکنون نوبت گرفتن پاداش شان بود! برخی از آنان حتی در روش‌های غیرقانونی و غیراخلاقی رسیدن رضاحان به قدرت نیز شریک و همکار او بودند! بعد از شهریور ۱۳۲۰ روشن شد که این گروه با پرورنده‌سازی بر لشکر محمدحسین آیرم– رئیس نظمی

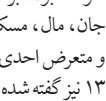
وقت– به چاه بلا افتاده‌اند! رفتار رسمی کشور براساس ماه‌های شمسی تنظیم شد و به کار بردن ماه‌های قمری ممنوع شد. همچنین طبق بخشنامه وزارت امور خارجه از این پس در همه اسناد و مکاتبات فرنگی می‌بایست «پرس» را ایران و «پرسان» را ایرانیان بنویسند و بخوانند. «فرهنگستان ایران» نیز در بهار این سال آغاز به کار کرد. وظیفه این فرهنگستان به کارگیری و یافتن واژگان سره فارسی و جایگزین کردن آنها به جای واژگان بیگانه بود. در این فرهنگستان دانشمندان سترگی که در فرهنگ و ادب کشور جایگاه بلندی داشتند به همکاری پرداختند. پایه‌ریزی این فرهنگستان از شاهکارهای آن دوران بود که منشاء خدمات برجسته‌ای به زبان و ادب فارسی شد. برای نمونه واژگان «قوه بریه»، «قوه بحریه» و «قوه جویه» به واژگان «نیروی زمینی»، «نیروی دریایی» و «نیروی هوایی» تغییر داده شد. همچنین به جای واژه «طیب یا حکیم» واژه «پزشک» به کار برده شد و به جای «کحال» و «بیکار»، «چشم‌پزشک» و «دامپزشک» جایگزین شد. استاد جلال‌الدین همایی، استاد دبیرالزمان فرزانفر، دکتر قاسم غنی، شهرداری– انتخاب و معرفی می‌شد، می‌توان مجلس ختم گرفت. آن هم فقط به مدت دو ساعت که صرف جای و قهوه و استعمال قلیان و سیگار هم در آنجا ممنوع است! از نخستین ماه تابستان مشه‌دی‌ها دست به تظاهراتی

علیه کلاه‌شاپو اجباری و زمزمه حجاب‌برداری از زنان زدند و در مسجد گوهرشاد تحصن کردند و به شدت دولت را مورد انتقاد قرار دادند. شیخ بهلول واعظ– که عمر درازی داشت و از چند سال پیش زنده بود– در این اعتراض‌ها با سخنرانی‌های مهیج، موجبات تحریک معترضان را فراهم آورد. سرانجام در نیمه‌شش شنبه ۲۱ قمرماه نیروهای نظامی لشگر شرق به مسجد و صحن امام رضا(ع) ریختند و مردم متحصن در مسجد را به گلوله بستند. گروهی از مرد بی‌دفاع کشته و تعدادی هم زخمی شدند. از فردای آن روز هم روحانیون و سرشناسان معترض مشه‌دی زندگیر و روانه زندان شدند. تعداد کشته و زخمی‌های این رویداد را که به «قیام مسجد گوهرشاد» معروف شده است تا دو هزار نفر نوشته‌اند.

همچنین از تابستان این سال همه عناوین و القاب در نوشته‌های اداری و رسمی لغو شد. عناوینی همانند خان، بیگ، میرزا، امیر و غیره و نیز نام ادارات و

حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه

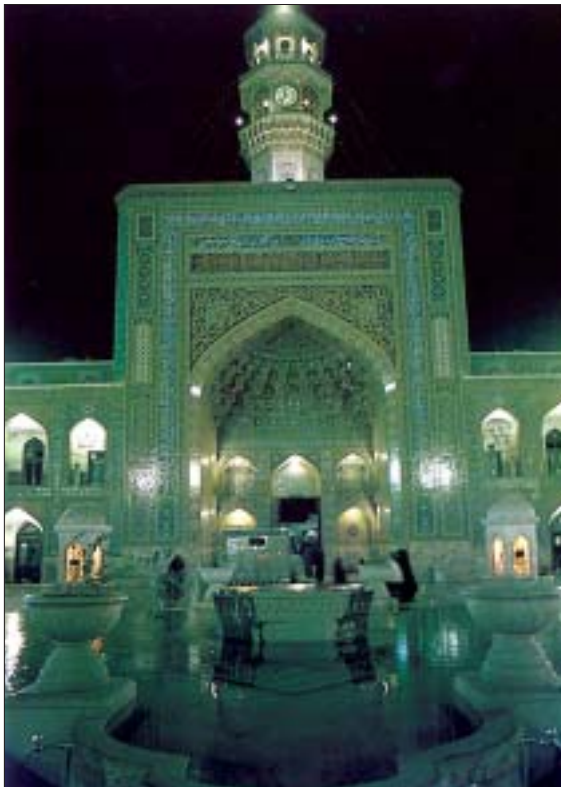
یکی از مهمترین شالوده‌های حقوق اساسی حقوق بنیادین و آزادی‌های اساسی است که معمولاً با عنوان حقوق ملت از آن یاد می‌شود. مثلاً در قانون اساسی جمهوری اسلامی فصلی به نام حقوق ملت وجود دارد که آن، اصل برابری، اصل آزادی عقیده و ممنوعیت نقضیت عقاید و اصول دیگری همچون ممنوعیت شکنجه و حق دادخواهی به رسمیت شناخته شده‌اند. متمم قانون اساسی مشروطه نیز فصلی را به نام حقوق ملت نامیده است. در این فصل که شامل هجده اصل می‌شود، به موضوعاتی در مورد حق رجوع به محکمه، حق سکوت در مکان دلخواه، حق آزادی نشر و برایلی اجتماعات سخن گفته شده است. در ابتدای این فصل همه اهالی ایران در پناه قانون دانسته شده‌اند. به موجب اصل هشتم همه اهالی مملکت در مقابل قانون متساوی الحقوق خواهند بود. براساس اصل نهم متمم قانون اساسی مشروطه جان، مال، مسکن و شرف افراد مصون از هرگونه تعرضی است و معترض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم قانون. در اصل ۱۳ نیز گفته شده است که در هیچ خانه‌ای نمی‌توان به زور وارد شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. اصل دهم هم بیان می‌دارد که نمی‌توان هیچ کس را فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمه و بر طبق قانون که در آن صورت هم اتهام فرد بازداشت‌شده باید حداکثر ظرف ۲۴ ساعت به او اعلام و اشعار شود. بنابراین غیر از موارد ارتکابی جرم خاص جنحه و جنایت و تقصیرات عمده هیچ کس را نمی‌توان فوراً دستگیر کرد مگر اینکه حکم کتبی داشته باشد و در غیر این صورت بازداشت او غیرقانونی است. این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آورده شده است. در اصل ۳۲ گفته



صد نهاد

پدرام الوندی :
در برابر حملات سنت‌گرایان به ایده مشروطه و تکفیر مشروطه‌خواهان آیت‌الله نائینی به صورت تنوریک به دفاع از مشروطه‌خواهی برخاست. او در کتاب خود به تبیین نظری مبانی مشروطه‌خواهی با تکیه بر اصول و متون اسلام پرداخت. کتاب او هنوز نیز در این زمینه تأکیدی دارد. محمدحسین نائینی (۱۳۱۵–۱۳۳۸ خورشیدی) در شهر نائین چشم به جهان گشود. پدر او شیخ عبدالرحیم و جد پدری اش منصب شیخ الاسلامی نائین را برعهده داشتند. نائینی در شانزده سالگی به اصفهان نزد آقامحمدباقر اصفهانی رفت و دانش‌های دینی را نزد وی فراگرفت. نائینی چند فصل سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۴ عازم عتبات شد و در سامرا در درس میرزامحمدحسن شیرازی شرکت کرد و به مرور زمان از شاگردان برجسته او شد. پس از فوت مرحوم شیرازی، نائینی عازم نجف شد و در جلسات درس آخوندخراسانی حاضر و از نزدیکان او گردید و به عنوان یکی از برجسته‌ترین یاران وی در جریان جنبش مشروطیت قرار گرفت. نائینی در جریان استبداد صغیر در تلاش برای تیرین مستند شرعی فعالیت‌های مشروطه‌خواهی کتاب معروف تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله را با تقریظ دو مجتهد بزرگ

حسن مرسل‌وند



وزارتخانه‌ها بدون هیچ توصیفی به کار برده شد. در همین هنگام نیز داشتن نام خانوادگی اجباری شد. شرکت سهامی قند و شکر و کبریت هم به کار افتاد که دکتر سجادی مدیرعامل آن بود. دانشگاه جنگ نیز از تاسیسات این سال بود که دوره‌های فرماندهی و ستاد را در مدت زمان دو سال به افسران آموزش می‌داد. کارخانه تیرماه نیروهای نظامی لشگر شرق به مسجد و صحن امام رضا(ع) ریختند و مردم متحصن در مسجد را به گلوله بستند. گروهی از مرد بی‌دفاع کشته و تعدادی هم زخمی شدند. از فردای آن روز هم روحانیون و سرشناسان معترض مشه‌دی زندگیر و روانه زندان شدند. تعداد کشته و زخمی‌های این رویداد را که به «قیام مسجد گوهرشاد» معروف شده است تا دو هزار نفر نوشته‌اند.

همچنین از تابستان این سال همه عناوین و القاب در نوشته‌های اداری و رسمی لغو شد. عناوینی همانند خان، بیگ، میرزا، امیر و غیره و نیز نام ادارات و

۱۵ خرداد۱۲۸۵

محمودیان: روزهای قبل دیدیم گرانی نان و تحریک مرحوم بهبهانی باعث تحركات بسیار زیاد بانوان علیه دولت شده بود. عین‌الدوله که عی دانست هرگز نمی‌تواند با زنان برخورد قهرآمیز کند با دستور پادشاه برای اولین بار در تاریخ ایران سوسید بر کالاهای اساسی را مرسوم کرد.

وقتی عین‌الدوله از فشار بر نانوایان برای ارزان کردن نان تا امید شد تصمیم گرفت مابه‌التفاوت قیمت گندم تا نان ارزان را از حساب دولت پرداخت کند.

امروز اعلامیه‌ای از طرف پادشاه خطاب به مردم و نانوایان توسط جارجیان در تهران قراش شد مبنی بر اینکه پادشاه به خاطر رفاه حال مردم روزانه مبلغ یک‌هزار و دویست تومان به‌عنوان مابه‌التفاوت قیمت گندم به نانوایان می‌پردازد به شرطی که قیمت یک من نان از دو هزار دینار به ۱۵۰۰ دینار کاهش پیدا کند و برای جبران کمبود گندم

حجاب معمول بودند– موضوع کشف حجاب را در ایران اعلام کردند و این روز را «روز آزادی زنان» نام نهادند. جای شگفتی اینجا است که برخی از دولتمردان حاضر نشدند با همسران بی حجاب خود در این جشن و جشن‌هایی که پی درپی و با موضوعیت کشف حجاب برگزار می‌شد، شرکت کنند! طرح کشف حجاب موجبات درگیری و کشمکش روحانیون و لایه‌های زیرین اجتماعی با حکومت رضاشاه را فراهم آورد.

پلکان بعدی نردبام ترقی رضاشاه که اکنون می‌باید شکسته شود، امیر لشکر محمدحسین آیرم – رئیس شهرنای کل – بود. وی که از افسران مورد اعتماد رضاشاه و از جمله کسانی بود که در روی کار آمدند و تحکیم به‌ایه‌های قدرت رضاشاهی نقش برجسته‌ای ایفا کرده بود، خود را به بیماری زد و چندی در خانه خود بستری شد و سپس با فریب رضاشاه از او اجازه گرفت تا برای معالجه و درمان راهی اروپا شود. او به آلمان رفت و از ترس رضاشاه دیگر هیچ وقت به ایران بازنگشت! و به جای او سرهنگ رکن‌الدین مختار– سرپاس مختاری– رئیس کل نظامیه مملکتی شد که داستان‌های او هم بعدها شنیدنی و خواندنی است. در این میان محمد ولی‌خان اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی که در جریان قیام گوهرشاد متهم به پشتیبانی و تحریک متحصنین بود، دستگیر و زندانی شد. اسدی پدر داماد محمدعلی فروغی– ذ‌ءالملک– رئیس‌الوزرا بود. فروغی در پاسخ به نامه خانواده اسدی که از او برای آزادی اسدی کمک خواسته بودند، یادداشتی نوشته و این بیت را آورده بود: «در کف شیر نر خونخواه‌ای غیرتسلیم و رضا کو چاره‌ای؟! او یادداشت فروغی در بازرسی از خانه اسدی به دست ماموران نظمیۀ افتاد و به نظر شاه رسید. شاه پس از خواندن نامه با خشم و کینه و با گفتن عبارت «زن ریش دار» فروغی را از کار برکنار و خانه‌نشین کرد؛ تا اینکه دست احتیاج او را در نهایت افتادگی و خوار۱ یک بار دیگر به در خانه فروغی کشاند تا با خواهرش التماس از وی بخواهد تا مقام رئیس‌الوزرای شاه را بپذیرد و آن روز یکی از روزهای آزادزنه شهریور سال ۱۳۲۰ خورشیدی بود! محمدولی اسدی در دادگاه نظامی به مرگ محکوم و بلافاصله تیرباران شد. از پسر او علی اکبر اسدی– داماد فروغی– نیز که نماینده مجلس بود، سلب مصونیت شد خود او هم روانه زندان شد. سلمان اسدی– پسر محمدولی و برادر علی‌اکبر– نیز که نماینده سابق مجلس و مدیر بانک فلاحت بود، دستگیر و زندانی شد. همه خاندان اسدی و فروغی که اکنون به شبهه‌ای گرفتار آمده و آتش به خاتمان شان افتاده بود، از هواداران سردارسپه و کوشندگان در راه به قدرت رسیدن او بودند!

نان ارزان شد اعتراض مدنی نتیجه داد

در تهران دولت مجاز شد روزانه صد خروار گندم به قیمت هر خروار ۱۵ تومان از انبار غله دیوانی برداشت کند و به نانوایان بفروشد و در ضمن به نانوایان جهت کم‌فروشی هشدار شدید داده شد. و به این صورت یکی از اولین اعتراضات مدنی بانوان تهرانی به نتیجه رسید و به درخواست اصلی شان که کاهش قیمت نان و فراوانی آن بود رسیدند.

قیمت گوشت در چند مرحله از هر من پنج هزار و ششصد دینار به یک من چهار هزار و ششصد دینار تقلیل یافت.



علاج و تشریح حقیقت استبداد و مشروطیت و تفهیم آنچه در مقدمه و فصول محسه، بیان نمودیم در کمال سهولت است، لکن به شرط ملایمت و عدم خشونت در بیان و حفظ اف‌هان از شواثب غرضانیات و تح‌ز از موجبات تنفر و ان‌زجار قلوب و تح‌فظ از ر‌میدان و مش‌وب شدن اف‌هان. «(تنبیه‌الامه و تنزیه‌الماله ص ۱۵۷) «با استدلال و شمرده سخن می‌گفت و در درس و بحث و حرکات آرام بود. گونه کشیده و بینی و پیشانی بلند و برآمده و موی تنکش فلاسفه‌یونان– سقراط و افلاطون– را می‌نمود. «علمایی که از دوره سامرا با آن مرحوم نزدیک و به دقت‌نظرش آشنا بودند مراجعین را به تقلید از آن مرحوم ارجاع می‌نمودند. (توصیف آیت‌الله طالقانی از ایشان در مقدمه تنبیه‌الامه) نائینی پس از فوت شریعت اصفهانی، مرجعیت عامه یافت و بیشتر اهل عراق و شیعیان لبنان و همه اهالی هندوستان از ایشان تقلید می‌کردند. البته به دلیل فعالیت مشروطه‌خواهانه و حضور آیت‌الله حائری، مرحوم نائینی در ایران مرجعت تامه نیافت اما اثر بلندمرتبه او در باب نسبت حکومت مشروطه و اسلام از مهم‌ترین اسناد مذهبی جنبش مشروطه به شمار می‌رود.

جامعه دانایی محور

«اول راهم همه، علاج جهالت و نادانی طبقات ملت

است و این مطلب نسبت به جهل بسیط با دخول از طریق

سال سوم ■ شماره ۷۸۶ *شرق*

نگاه

انتخابی بر پایه ناآگاهی

نورّٰن اعتضادالسلطنه

در تاریخ استبدادزده ایران فرصت جدی برای دخالت مردم در امور سیاسی کشورشان کمتر پیش آمده است. در تاریخ معاصر ایرانیان مردم

صد نکته

هیچ‌گاه فرصت آموزش و رشد سیاسی و تبادل اندیشه را نداشته‌اند. در این روند، بی‌علاقگی مردم به امور سیاسی جامعه‌شان سوء استفاده حاکمان از این بی‌میلی سیاسی و نقش دولت‌های استعماری در کنار حاکمان برآیند منفی‌ای را حاصل آورده است. اما در این میان آنچه بیشتر از همه جلوه‌نمایی می‌کند «ناآگاهی ملت و انتخاب آنان بر پایه ناخیردی» بوده است. این روایت واقعیت تلخی است که در طول تاریخ ما همواره جریان داشته است. ملت ایران به جای اینکه خود تاریخ‌ساز باشند همواره منتظر آمدن فردی بوده‌اند تا تاریخ آنان را بسازد و این به خاطر بی‌توجهی به مسائل جدید جامعه از سوی اکثریت مردم است. با نگاهی به تاریخ دوره قاجاریه می‌توان دریافت که سیاست آن دوره عملاً در دست دولت‌های روس و انگلیس بوده است و حتی خود پادشاهان قاجاری هم اختیار چندانى از خود نداشتند چه رسد به حضور مردم در عرصه سیاست. در دوره رضاخان با شعار ساختن «ایرانی نوین» صداهای سرکوب شد و تمام توجه جامعه به سمت «آبادانی و رونق اقتصادی» و «برقراری امنیت» معطوف شد. در دوران محمدرضا پهلوی برای نخستین بار اولین زمزمه‌های «هر چند موقت آزادی» شنیده شد. شاه جدید که می‌دانست مردم از سیاست‌های یکجانبه گرایانه پدرش به عذاب آمده‌اند بر آن شد تا بستر لازم برای شرکت مردم در انتخابات را فراهم کند. البته آن هم انتخاباتی پر از تقلب انتخاباتی که در ده و روستا‌خان‌ها برای جلب رای مردم با وعده و وعیدهای مختلف و حتی تهدید، مردم بیسواد و روستایی را وادار می‌کردند تا به آنها رای بدهند. دولت هم برای جلب آرای کارکنانش به دستور شاه به دادن شکر و روغن به آنان پرداخت. در چنین جامعه‌ای که هنوز افراد روستایی آن سواد خواندن و نوشتن نداشتند و آگاهی لازم برای تشخیص صلاحیت کاندیدها از سوی توده مردم و به خصوص نخست‌وزیر وقت دکتر محمد مصدق بیم آن را داشت تا از سوی مردم از سلطنت خلع شود. به همین دلیل در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوران خفقان و استبداد بار دیگر بر فضای جامعه حاکم شد. در سال‌های بعد انتخابات برای رای به «اصول انقلاب و سفید (شاه و ملت)» هم نتوانست پاسخگویی نیازهای ملت تشنه آزادی باشد. تا سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اکثریت ملت با رای خود به نوع حکومت «جمهوری اسلامی» رای مثبت داد. مردم ایران همیشه از حکومت‌ها انتظار برقراری امنیت و تأمین رفاه اجتماعی را داشته‌اند اما در این میان تنها اقلیت روشنفکری بوده‌اند که خواستار افزایش آزادی و رسیدن جامعه به حداکثر آزادی بودند. تا به امروز هم متأسفانه همان عادت جذب رای مردم با روش‌های قدیمی ادامه دارد. ملتی که هیچگاه نه خود به لزوم ایفای نقشش در صحنه‌های حساس جامعه فکر کرد و نه هیچگاه حکومت‌ها شرایط رشد فکری و اجتماعی او را به صورت جدی فراهم آوردند.

مشکل عدم مشارکت صحیح مردم در امور سیاسی جامعه از سه عامل نشأت می‌گیرد: ۱– اکثر حکومت‌ها منتخب مردم نبوده‌اند و به همین دلیل برای حل مشکلات آنان راه حلی را نیندیشیده‌اند. حکومت وابسته به استعمار خارجی همیشه از ناآگاهی مردم لذت برده است زیرا در سایه این جهل توانسته به چپاولی که به نفع خود و اربابان استعماری‌اش باشد ادامه دهد. ۲– فقدان آموزش سیاسی مردم، مردمی که آزادی و آزادیخواهی و حق مشارکت در تعیین سرنوشت برای آنان بی‌معنی بوده است. زیرا زندگی را تنها در خواب و خور و گذران روزگار دانسته‌اند. ۳– کوتاهی روشنفکران جامعه در انجام رسالت خود که همانا «روشنگری» و آشنا ساختن توده مردم به حقوق و نقش آنان در جامعه است. روشنفکر ایرانی در طول تاریخ معاصر با تشکیل محافل کوچک و رابطه محدود با مردم فرصت شناخت بیشتر جامعه خود را نداشته است و همین عامل باعث شده است ارتباطی مفید بین ملت و روشنفکران به وجود نیاید.

شاخص های جامعه دموکراتیک

محسن ویلان پور: در حقیقت شاخص های یک جامعه دموکراتیک شاخص های یک جامعه آزاد به معنای واقعی آن است.

۱– در جامعه دموکراتیک باید برای تمام افراد و ارگان‌ها حق مساوی و اعمال رای قائل بود.
۲– تمام احزاب آن حق داشتن نشریه به‌خصوص روزنامه را برخوردار باشند.
۳– افراد و روزنامه‌نگاران آن جامعه به خاطر آزادی بیان و عقیده محبوس نشوند.
۴– افراد به‌خاطر عدم التزام به قانون اساسی از شرکت در انتخابات منع نشوند.
۵– نشریات آن هیچ‌گاه رو به تعطیلی نرود، حتی اگر علیه دولت در آن مطلبی نقل شود.
۶– زنان یک جامعه دموکراتیک همانند مردان آن بتوانند از تمام امکانات جامعه استفاده کنند.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir